



۲۳ جون، ۲۰۲۴

داکتر ناصر اوریا

"من لاله آزادم، خود رویم و خود بویم"

لاله سمبول سرخرویی و آزادی

به یقین که سروده زیبا و پرمحتوی "من لاله آزادم" از جناب محمد ابراهیم صفا را همه هموطنانی که قبل از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی به مکتب ابتدایی رفته اند به خاطر دارند. هنرمند بزرگ افغانستان مرحوم استاد عبدالغفور برشنا این شعر استاد صفا را کمپوز عالی نموده و هنرمند گرامی افغان میرمن آزاده (از اولین آوازخوانان زن در افغانستان) و عبدالوهاب مددی آنرا بشکل آهنگ زیبایی دوگانه زمزمه کرده اند.

این شعر تراوش ذهن و افکار شاعر آزاده، عارف وارسته، نویسنده و شاعر آزاداندیش افغان محمد ابراهیم صفا است که سراسر صدق بود و صفا.

| | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| من لاله ی آزادم خود رویم و خود بویم | در دشت مکان دارم هم فطرت آهویم |
| آب نم باران است فارغ ز لب جویم | تنگ است محیط آنجا در باغ نمی رویم |
| از خون رگ خویش است گر رنگ به رخ دارم | مشاطه نمی خواهد زیبایی رخسارم |
| بر ساقه خود ثابت، فارغ ز مدد گارم | نی در طلب یارم، نی در غم اغیارم |
| هر صبح نسیم آید بر قصد طواف من | آهو برگان را چشم، از دیدن من روشن |
| سوزنده چراغ هستم در گوشه این مامن | پروانه بسی دارم، سرگشته به پیرامن |
| از جلوه سبز و سرخ طرح چمنی ریزم | گشته است ختن صحرا، از بوی دلاویزم |
| خم می شوم از مستی هر لحظه و می خیزم | سر تا به قدم نازم پا تا به سر انگیزم |
| جوش می و مستی بین در چهره گلگونم | داغ است نشان عشق، در سینه پر خونم |

آزاده و سر مستم خو کرده به هامونم رانده ست جنون عشق از شهر به افسونم
از سعی کسی منت، بر خود نپذیرم من قید چمن و گلشن بر خویش نگیرم من
بر فطرت خود نازم، وارسته ضمیرم من آزاده بیرون آیم، آزاده بمیرم من



سوانح مختصر مرحوم محمد ابراهیم صفا



محمد ابراهیم صفا شاعر، نویسنده، محقق، مترجم و مرد آزاد اندیش افغان در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در محله باغبان کوچه شهر کابل چشم به جهان گشود.

پدر محمد ابراهیم صفا، ناظر صفر محمد خان پسر محمد یوسف فرزند محمد اعظم خان یوسفزایی از جمله شخصیت های منتفذ و مبارزین ضد استعمار انگلیس در منطقه گلگیت چترال بود. با ورود پای منحوس استعمار انگلیس به شبه قاره هند قلعه و اموال محمد اعظم خان توسط ایادی استعمار به آتش کشیده شد. خوشبختانه ناظر صفر محمد (پدر ابراهیم صفا) که بدست آنها اسیر بود توسط یک تاجری که دوست خانوادگی شان بود آزاد و به کابل آورده شد که در محله باغبان کوچه شهر کابل سکنی گزید.

ناظر صفر محمد خان پدر محمد ابراهیم صفا که در زمان زمامداری امیر عبدالرحمن خان، امیر حبیب الله خان، امیر امان الله خان و محمد نادرخان می زیسته در در دستگاه دولتی کار نموده و شغل رسمی داشت. ناظر صفر محمد خان در سن ۳۰ سالگی از طرف امیر عبدالرحمن خان به

حیث سرپرست کارخانجات دولتی مقرر شد و زمانی مُهردار سلطنتی بود (تاریخ غبار). برای مدتی امین اطلاعات امیر حبیب الله خان (امیر شهید) بود. وی برای مدت طولانی سمت نایب الحکومه قطن و بدخشان را عهده دار شد.

ناظر صفر محمد خان با سردار نصرالله خان برادر شاه که روحیه ضد استعمار انگلیسی داشت روابط دوستانه و نزدیک پیدا کرد .

ناظر صفر محمد با محترمه "بی بی جان" ازدواج نموده بود. اسمای فرزندان شان که به سن بلوغ رسیده بودند قرار ذیل است: ۳ دختر (طاهره جان، رقیه جان، صالحه جان) و ۴ پسر (محمد اختر، محمد انور بسمل، محمد ابراهیم صفا، محمد اسمعیل سودا).

محمد ابراهیم صفا، پسر سوم ناظر صفر محمد خان بود. وی از آوان طفولیت به کسب علوم متداوله و معاصر منجمله آموزش لسان عربی پرداخت.

صفا صنف اول را در مکتب "اتحاد" در خان آباد - کندز، جایی که پدرش ناظر صفر محمد خان حاکم اعلی بود خواند و زمانی که به کابل آمد شامل مکتب حبیبیه شد. وی در پهلوی تعلیمات در مکتب حبیبیه نزد برادرش محمد انور بسمل و مولوی عبدالکریم نیز به آموزش پرداخت.

محمد ابراهیم صفا در زمان شاه امان الله غرض تحصیل در رشته مخابرات/تلگراف به هند بریتانوی اعزام گردید. چون جوان مستعد و متجسس بود، علاوه بر رشته تحصیلی خود، به آموختن زبان های انگلیسی، اردو و فرانسوی نیز پرداخت.

محمد ابراهیم صفا بعد از عودت به وطن بحیث مدیر مکتب مخابرات مقرر گردید .

گرچه محمد ابراهیم صفا در وظایف اداری مختلف منجمله در وزارت معارف، وزارت اقتصاد و زارت خارجه توظیف گردیده بوده ولی علاقه و اشتیاق عمیقش به ادبیات و فلسفه وی را واداشت تا با ادیبان و شعرای زمانش چون ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب بیشتر نزدیک شده تا در این زمینه از ایشان، و همچنان برادر بزرگش مرحوم محمد انور بسمل کسب فیض و دانش بیشتر نماید. نتایج سعی و علاقمندی اش باعث خلق آثار گرانبها و ترجمه های ارزشمندی در این زمینه گردید. زمانی در وزارت معارف به وظایف اداری گمارده شد و مدتی هم به حیث آمر ترجمه در وزارت معارف تقرر یافت.

مرحوم محمد ابراهیم صفا در زمان صدارت شاه محمود خان معاون ریاست مستقل مطبوعات (بعداً وزارت اطلاعات و کلتور) بود.

آشنایی به زبان های متعدد مخصوصاً لسان انگلیسی و عربی باعث شد تا با فلسفه و اندیشه های شرق و غرب، مخصوصاً فلسفه اسلامی نه تنها بهتر آشنا شود بلکه در نتیجه تحقیق در این بخش آثار و نوشته های ارزشمند و مفیدی را نیز به رشته تحریر درآورد.

کتاب "تعلیل و استقرا و متودولوژی" نشانگر فهم، تعمق و تسلط وی در منطق ارسطویی و متودولوژی (اسلوب و روش) است.

طوریکه تذکار رفت ناظر صفر محمد پدر محمد ابراهیم صفا در پهلوی اینکه در زمان امیر عبدالرحمن خان، حبیب الله خان و شاه امان الله پُست ها و وظایف رسمی و دولتی مهم را در اختیار داشت وی یکی از مصاحبان نزدیک سردار نصرالله خان نایب السلطنه نیز بود، کسی که دارای روحیه ضد سلطه انگلیس در افغانستان بود. فرزندان ناظر صفر محمد خان هم پیرو اندیشه پدر و به سردار نصرالله خان نزدیک بودند، مخصوصاً محمد ابراهیم صفا و برادر بزرگترش محمد انور بسمل که از جمله مبارزین شهیر ضد استعماری زمان خود بشمار میروند در این راه عملاً از خود شجاعت و پایداری بی نظیری نشان دادند.

به همین ملحوظ این خانواده دانشمند، عارف و مبارز هواخواه افکار سردار نصرالله خان در این راه قیمت گزافی پرداختند.

با تأسف که این فامیل منور و عرفانی سرشار از اندیشه های مشروطه خواهی، طرز مبارزه سیدجمال الدین افغان و طرفدار افکار سردار نصرالله خان که تفکر ضداستعمار انگلیس داشت، زندان ها و رنج های فراوانی را متحمل گردید.

در دوره نهضت امانی که بیشترین تعداد جوانان متجدد، تحصیل یافته، اصلاح طلب و مشروطه خواه به دور شاه مبتکر و جوان حلقه زده و برای تحقق آرمان های جنبش امانی کار و تلاش میکردند، ولی محمد اختر برادر ارشد ابراهیم صفا عملاً در ضدیت شدید با شاه امان الله قرار داشت تا سرحدی که تصمیم قتل شاه امان الله و سرنگونی سلطنت وی را در سر داشت، ولی در عین حال محمد ابراهیم صفا و برادران دیگرش از هواخواهان و طرفداران طراز اول نهضت امانی بودند. به همین جهت محمد اختر زندانی و سپس کشته شد و این ضربه اولی بود که این خانواده روشن و روشنگر با آن مواجه شد.

ضربه بعدی در زمان سلطنت محمد نادر شاه بود که این خانواده منور با آن رو به رو گردید.

محمد ابراهیم صفا و برادرانش هریک محمد انور بسمل و محمد اسمعیل سودا به عنوان آزاد اندیشان طرفدار شاه امان الله رنج ها و شکنجه های گوناگونی را متحمل و سالیان متمادی را در زندان های سیاسی بسر بردند .

مرحوم محمد ابراهیم صفا چهارده سال از بهترین ایام عمرش را در زندان محمد هاشم خان در محابس ارگ، سرای موتی و زندان دهمزنگ کابل سپری نمود.

طوریکه متذکر شدیم آموزش السنه انگلیسی و فرانسوی وسیله ای شد برای آشنایی صفا با فلسفه غربی، و تسلطش بر زبان عربی راه گشایش برای آشنایی با منطق و فلسفه اسلامی و ارسطویی شد. این دستاوردها باعث شد که وی نه تنها توانست آثار و نوشته هایی ارزشمندی را ترجمه نماید بلکه تالیف نوشته های تحقیقی مفیدی را نیز در قبال داشت، مانند: "مختصر منطق"، "سه نفر سیاح" و "عشق و فلسفه یا فلسفه حوادث" که از وی چاپ و منتشر شده است.

محمد ابراهیم صفا بعد از آزادی از محبس در فاکولته ادبیات، فاکولته حقوق و فاکولته شرعیات پوهنتون کابل منحصیث استاد فرزندان میهن را تدریس نموده است.

محمد ابراهیم صفا در نوشتن کتاب "تاریخ ادبیات افغانستان" با مرحوم احمدعلی کهزاد، غلام محمد غبار، علی احمد نعیمی و محمدعلی زهما سهم داشته است.

علاوتاً محمد ابراهیم صفا سند تاریخی "کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان" منتشر شده در جراید اردو زبان هندوستان در وقت سلطنت محمد نادر شاه را به دری ترجمه نموده بود که در ماه جوزای سال ۱۳۵۷ هجری شمسی بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی در جریده انیس چاپ و به نشر رسید.

محمد ابراهیم صفا شخصیت دانشمند، شاعر، ژورنالیست، مترجم، متفکر و آزاد اندیش افغانستان کارنامه های بزرگ ادبی و کلتوری برای جامعه خود به یادگار گذاشته است.

علاوه بر آثار دیگر مثنوی، قطعه، رباعی، مخمس که تبلور افکار ملی و انسانی وی در آن به وضوح انعکاس یافته، "نوای کهسار" و "گزیده غزل ها"، دو مجموعه شعری نیز از ابراهیم صفا به یادگار مانده است.

صفا در غزل پیرو سبک آئینه گونه و باصفای مرزا عبدالقادر بیدل بود.

محمد ابراهیم صفا شخصیت چند بُعدی داشت. وی ادیب، شاعر، نویسنده، ژورنالیست، روشنگر، عارف و افغان وطن دوست بود که همه استعداد هایش را در راه تحقق عدالت اجتماعی و رسیدن به رفاه جمعی برای وطن و هموطنش صرف کرد و تا آخرین رمق حیات از این هدف شریف برنگشت.

چنانچه گفته است:

"هرگز نتوانم شد آن چیز که می خواهند

خوب است همان باشم همواره که هستم من"

مرحوم محمد ابراهیم صفا این شخصیت باصفا به روز سوم جدی سال ۱۳۵۹ هجری شمسی جهان فانی را وداع گفته و جان به جان آفرین تسلیم نمود. پیکرش در مقبره قول آبچکان در کنار مزار پدرش به خاک سپرده شد.

روحش شاد، یاد کارنامه هایش جاودان و بهشت برین مکانش باد



بناغلی محمد ابراهیم صفا ستر لیکوال، شاعر، ژباړونکی او آزادفکری مبارز په ۱۲۸۵ لمريز کال کی د کابل "باغبان کوچه" سیمه کی نړی ته سترکی پرانیستی.

پلار یی ناظر صفر محمد نومیده چی د محمد یوسف خان زوی وه. ناظر صفر محمد هغه وخت د چترال د گلگیت سیمی څخه کابل ته راغی کوم مهال چی انگریزی بنکیلاکگرو د هغه د نیکه محمد اعظم خان یوسفزی کلا او دارایی وسوزول او له مینځه یی یورل .

بناغلی محمد ابراهیم صفا د حبیبی بنوونځی کی زده کړی وکړی او د شاه امان الله په وخت کی د مخابراتو/تلگراف برخه کی د زده کړو لپاره بریتانوی هند ته واستل شو. هیواد ته راستنیدو سره د مخابراتو بنوونځی مدیر وټاکل شو. د پوهنی، اقتصاد او بهرنیو چارو وزارتونو کی یی دندی تر سره کړی خو ډیره مینه یی لیکوالی او ادبیاتو سره وه. عربی، انگریزی او فرانسوی ژبی یی هم زده وی.

لیکوال، مبارز، ژورنالیست، شاعر او ځیړونکی وه. د ټولنیز عدالت د مبارزی لاره کی یی ۱۴ کاله د ارگ، موتی سرای او دهمزنگ په محابسو کی تیر کړل .

ارواښاد صفا د ۱۳۵۹ کال د مرغومی په دریمه نیټه له فانی نړی څخه سترگی پټی او د قول آبچکان هدیره کی خاورو ته وسپارل شو.

اروا دی بناده، د بنوکړنو یاد دی تلپاتی او لوړ جنت دی ځای وی.

ناصر اوریا * ۱۸ جون ۲۰۲۲ - تکزاس